

رئیس‌جمهور:

مدیریت مصرف سوخت

پیوست رسانه‌ای داشته باشد

رئیس‌جمهور در جلسه هماهنگی مدیریت مصرف سوخت با تاکید بر این‌که تمام اقدامات و مراحل سیاست‌گذاری در حوزه مدیریت مصرف سوخت باید از پیوست رسانه‌ای دقیق و شفاف برخوردار باشد، اظهار داشت: برگزاری تمام جلسات هماهنگی در زمینه مدیریت مصرف سوخت، به‌منظور جلوگیری از قاچاق و پیشگیری از فساد در این حوزه است. ضرورت دارد آنچه در کارگروه‌های مختلف مدیریت مصرف سوخت تصمیم‌گیری می‌شود، به‌اطلاع‌آحاد جامعه رسانه‌ها و ابعاد مختلف آن برای مردم تبیین گردد. طبیعتاً می‌توانیم از ظرفیت اجتماعی پویش «جان‌فدا» نیز در راستای مدیریت مصرف سوخت استفاده کنیم. دکتر مسعود یزشکیان با بیان این‌که شخصا با نمایندگان اتحادیه کامیونداران، تاکسی‌های اینترنتی و تاکسی‌داران در زمینه مدیریت مصرف سوخت و شفاف‌سازی ابعاد سیاست‌های این حوزه جلسه برگزار خواهد کرد، گفت: قطعاً نمایندگان این اتحادیه‌ها پرسش‌ها و نگرانی‌هایی دارند. برای تشریح ابعاد مختلف تصمیم‌گیری‌ها و برقراری هماهنگی‌های بخشی و فرابخشی، شخصا در اسرع وقت جلساتی را برگزار خواهیم کرد.

■ ■ ■

قابلیاف:

مدافع طرح مقابله با نفوذ هستم

رئیس مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی مجازی روز یکشنبه حین مباحث مربوط به ارجاع ماده هفت و هشت این طرح به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، تاکید کرد که مدافع این طرح است. محمدباقر قالیباف درخصوص علت ارجاع این ماده به کمیسیون گفت: هیچ وطن‌دوستی با موضوع برخورد با نفوذ بیگانگان مخالف نیست و امنیت مهم‌ترین موضوع کشور است. بعید می‌دانم کسی بگوید برای مقابله با نفوذ بیگانگان نیازی به قانون نداریم اما باید دقت کنیم حقوق و زندگی مردم و تجارت آنان تحت تأثیر قرار نگیرد. لذا در جریان بررسی این طرح، به جدیت پیگیر هستیم که برای زندگی مردم مزاحمت ایجاد نشود و به‌دلیل ابهامات موجود، آن را به کمیسیون ارجاع می‌دهیم. قالیباف در پاسخ به تذکری از نمایندگان مجلس و انتساب اظهاراتی نسبت به وی برای خارج کردن طرح مقابله با نفوذ از دستور کار بررسی مجلس گفت: جامعه یک احساس نگرانی نسبت به این نفوذ داشت. امروز هم من قبل از این‌که شما صحبت کنید، صحبت کردم و گفتم بنده مدافع طرح نفوذ هستم؛ از اول هم بوده‌ام. طرح هم آقای نجابت زحمت کشیدند؛ من در جریان هستم.

■ ■ ■

انتشار ویژه‌نامه

تشییع رهبر شهید انقلاب

ویژه‌نامه «رجعت نور» شامل آثار، یادداشت‌ها و گفتارهای تحلیلی درباره تشییع رهبر شهید انقلاب اسلامی، که هم‌زمان با این مراسم تهیه و چاپ شده بود، توسط پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی در دسترس عموم قرار گرفت. این ویژه‌نامه به‌تمرکز بر ابعاد اجتماعی، تاریخی و فکری تشییع رهبر شهید انقلاب اسلامی، در پنج محورا صلی به بررسی این رویداد و نسبت آن با مسیر آینده انقلاب پرداخته است.

■ ■ ■

دستگیری تیم مسلح ضدانقلاب و محموله ضد امنیتی در دواستان

سازمان اطلاعات سپاه استان فارس در اطلاعیه‌ای از شناسایی و دستگیری یک شبکه هشت نفره از عناصر وابسته به گروهک‌های ضدانقلاب در این استان خبر داد. در این اطلاعیه آمده است: این عناصر که مقادیری سلاح گرم به‌همراه مهمات مربوطه از مخفیگاه‌شان کشف شده است، با هدایت جریان تروریستی سلطنت‌طلبی و به‌صورت محله‌محور، اقدام به تهیه سلاح و برنامه‌ریزی برای کشته‌سازی در اعتراضات احتمالی بودند. در اطلاعیه تاکید شده است که این افراد در اغتشاشات دی‌ماه ۱۴۰۴ نیز با حضور فعال، اقداماتی نظیر حمله به اماکن به‌وسیله کوکتل مولوتوف، آتش‌زدن لاستیک، اسناد معایر و تخریب اموال عمومی را در دستور کار خود داشته‌اند. قارگاه حمزه سیدالشهدا (ع) نیروی زمینی سپاه نیز اعلام کرد: طی یکسری اقدامات اطلاعاتی با پاسداران گمنام امام‌زمان (عج) در سازمان اطلاعات سپاه استان آذربایجان غربی، محموله تجهیزات ضدامنیتی در مرز شهرستان اشویه کشف و ضبط شد که شامل ۶ قبضه سلاح کلاشنیکف، ۲۸ عدد خشاب کلاشنیکف، ۶ عدد سیمین شتاب، ۴۵۶ عدد فشنگ خارجی، ۷۷ عدد فشنگ ناقب، ۲۴۶ عدد فشنگ معمولی بوده و گروهک‌های تروریستی تجزیه‌طلب با هدایت سرویس‌های جاسوسی استخبار جهانی و رژیم صهیونیستی قصد داشتند جهت اقدامات خرابکارانه به مناطق عمقی کشور منتقل کنند.

اعتراف به قدرت‌تهاجمی ایران

ایران با شلیک موشک بالستیک به سمت ناو آمریکایی، نشان داد آماده قدرت‌نمایی تازه در عرصه نبرد با دشمن متجاوز است



ادامه از صفحه یک

برای فهم اهمیت اتفاقی که در خلیج فارس رخ داده، باید به یک نکته کلیدی توجه کرد: آنچه اکنون در میدان دیده می‌شود، پیش از این در سطح سیاسی از سوی مقام‌های ایرانی اعلام شده بود. محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، تنها چند روز پیش از حمله به شناورهای آمریکایی اعلام کرد که اقدامات جدید آمریکا «معادلات امنیتی و دکترین دفاعی» ایران را تغییر داده و از این پس پاسخ تهران «نامتوازن»، «چندلایه» و «سلب‌کننده امنیت متجاوز» خواهد بود. او حتی به آمریکایی‌ها هشدار داد خود را برای پیامدهای اقتصادی این تغییر آماده کنند.

مهم‌تر آن که محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز از شکل‌گیری «راهبرد جدید ایران» سخن گفت؛ راهبردی که به‌گفته او فقط به میدان جنگ محدود نمی‌شود و هم‌زمان عرصه‌های نظامی، دیپلماسی و مقابله با محاصره اقتصادی را دربرمی‌گیرد. این مواضع، تصویری که تغییر محاسبات تهران ارائه می‌داد؛ تغییری که

نیز تغییر دهد. به عبارت دیگر، هدف بازدارندگی جدید فقط جلوگیری از حمله بعدی نیست؛ بلکه افزایش هزینه حمله به‌اندازه‌ای است که تصمیم‌گیر آمریکایی پیش از هر اقدام جدید، مجبور شود پیامدهای آن را برای نیروهای نظامی، تجارت و اقتصاد آمریکا محاسبه کند. تحلیلگران خارجی نیز دقیقاً همین تغییر را در رفتار تهران مشاهده کرده‌اند. دنیل سیترونیچ، کارشناس مسائل ایران، حمله موشکی به ناو هواپیمابر را نشانه آن دانسته که تهران بیش از گذشته حاضر است ریسک‌هایی را بپذیرد که پیشتر از آنها اجتناب می‌کرد؛ از جمله تهدید مستقیم مهم‌ترین دارایی‌های نظامی آمریکا در منطقه. از نگاه او، این تحول صرفاً یک مرحله دیگر از تشدید درگیری نیست، بلکه نشانه تغییر آستانه محاسباتی ایران است.

اندیشکده بین‌المللی بحران نیز تلاش برای هدف قراردادن شناورهای آمریکایی در حال اجرای محاصره را عبور از یک آستانه متفاوت می‌داند. کارشناس تلوزیون الجزیره نیز هدف قرار دادن ناو هواپیمابر و ناوشکن را «تشدید ی حساب‌شده»

توصیف کرده است؛ تحلیلی که بر اهمیت انتخاب هدف تاکید دارد. ناو هواپیمابر یکی از ستون‌های اصلی قدرت نظامی آمریکا در عملیات منطقه‌ای محسوب می‌شود. بنابراین، ورود آن به دایره تهدید موشکی ایران، پیام متفاوتی نسبت به حمله به اهداف کم‌ارزش‌تر دارد؛ از این پس حتی دارایی‌های راهبردی آمریکا نیز باید در محاسبات امنیتی تهران و واشنگتن لحاظ شوند.

■ **میدان‌داری «قاسم بصیر»**

در این میان، «قاسم بصیر» نیز بخشی از همین تحول فناورانه است؛ ایران این موشک را با برد دست‌کم ۱۲۰۰ کیلومتر و قابلیت‌های هدایت و مانور پیشرفته معرفی کرده و گزارش‌هایی درباره استفاده عملیاتی از آن در درگیری اخیر منتشر شده است، هرچند جزئیات این موضوع هنوز به‌طور مستقل تایید نشده. اهمیت اصلی ماجرا اما در یک نام خلاصه نمی‌شود؛ مساله این است که توان موشکی ایران اکنون در خدمت راهبردی قرار گرفته که هدف آن افزایش هزینه آزادی عمل نیروهای آمریکایی در منطقه است.

ایران نیست. ایران در طول ۴۸ سال گذشته آغازکننده جنگی نبوده‌اما تجربه به‌مانشان داده‌است‌که مسامحه‌با متجاوزان، فقط آنها را وقیع‌تر و تهاجمی‌تر می‌کند. برای توضیح این تغییر رویکرد می‌توان به تجربه جنگ هشت‌ساله ایران و عراق اشاره کرد. در آغاز جنگ، ایران از امکانات نظامی گسترده‌ای برخوردار نبود و نیروهای عراقی توانستند بخش‌هایی از خاک ایران را اشغال کنند. در آن مرحله، رویکرد ایران ابتدا بر دفاع و متوقف کردن پیشروی دشمن متمرکز بود. پس از جلوگیری از ادامه پیشروی، مرحله بعدی آغاز شد: طراحی و اجرای عملیات برای آزادسازی مناطق اشغال‌شده. استراتژی فرماندهان در طول یک جنگ ثابت نمی‌ماند و متناسب با شرایط میدان تغییر

هنگامی که گفت‌وگوها به نتیجه نمی‌رسد، طبیعی است که مناقشه به عرصه نظامی کشیده شود. در موارد متعددی نیز ایران با طرف مقابل مذاکره کرده‌اما به‌دلیل آنچه نقض تعهدات و آتش‌بس از سوی طرف مقابل تلقی شده، امکان ادامه اعتماد به روند گفت‌وگوها از بین رفته است. بر همین اساس، تغییر سیاست ایران از یک وضعیت عمدتاً دفاعی به سمت رویکردی تهاجمی‌تر را باید در چارچوب تغییر شرایط جنگی و ارزیابی فرماندهان و مسئولان کشور تحلیل کرد. هنگامی که طرف مقابل به تعبیر عامیانه «حرف حساب سرش نمی‌شود»، پاسخ نظامی شدیدتر می‌تواند به‌عنوان راهی برای تغییر محاسبات و در نظر گرفته شود. این رویکرد البته به معنای جنگ طلب بودن

دارند. در پرونده لبنان نیز رژیم صهیونیستی نه در حوزه نظامی توانسته حزب‌الله را خلع سلاح کندونه در حوزه سیاسی و مذاکرات با دولت لبنان به نقطه‌ای قابل قبول و انکرا رسیده است. بر همین اساس، نتایج‌و برای ایجاد دستوراد سیاسی و رسانه‌ای، ناچار بود موقعیت راهبردی تپه علی‌الطاهر را برجسته‌تر و خارق‌العاده‌تر از واقعیت نشان دهد تا بتواند این تصویر را ایجاد کند که در یک جنگ تمام‌عیار، در پی فتح نقطه‌های راهبردی و غیرقابل بازگشت برای حزب‌الله است. با وجود اهمیت تپه علی‌الطاهر، باید توجه داشت که ادعاهای مطرح‌شده درباره افزایش جایگاه و اهمیت این تپه، لزوماً با واقعیت‌های میدانی منطبق نیست. براساس آخرین اطلاعات میدانی مورد اشاره، پس از گذشت پنج ماه، تپه علی‌الطاهر همچنان به تصرف رژیم صهیونیستی درنیامده است. همچنین طی چند روز گذشته، براساس گزارش‌های رسانه‌های صهیونیستی و لبنانی، تحرک قابل‌توجهی در این منطقه گزارش نشده است.

از سوی دیگر، رشته‌کوه‌هایی که تپه علی‌الطاهر در آن قرار دارد، به‌گونه‌ای است که امکان اشراف و پوشش آتش از سوی حزب‌الله بر این تپه وجود دارد. براساس این ارزیابی، در صورت حضور نیروهای کماندویی اسرائیلی در این منطقه، امکان هدف قرار گرفتن آنها از سوی نیروهای حزب‌الله مستقر در ارتفاعات مجاور وجود خواهد داشت. همچنین تجربه‌های مقاومت در غزه، از نگاه این جریان، موجب ایجاد ترس و نگرانی قابل توجهی در میان فرماندهان و نیروهای صهیونیست شده است؛ زیرا ورود نیروهای پیاده به چنین مناطقی می‌تواند آنها را به تهدیدهایی ازجمله تله‌های انفجاری، مین‌های زمینی و انفجارات در داخل تونل‌ها مواجه کند.



متن کامل را در
جام جم آنلاین
بخوانید

■ **هرمز: میدان آزمون معادله جدید**

تغییر راهبرد ایران در تنگه هرمز، تنها در شلیک موشک به شناورهای آمریکایی خلاصه نمی‌شود. روایت جدید نیروی دریایی سپاه از رصد تحرکات شناورها و انتشار تصاویر مربوط به شناسایی و اقدام علیه شناورهای متخلف، نشان‌دهنده تلاش برای ایجاد یک لایه دائمی از کنترل و پایش در این آبراه است. ایران با انتشار تصاویر جدید نشان داد تحرکات نیروهای خارجی در اطراف تنگه از دید تهران پنهان نیست و هرگونه اقدام تهدیدآمیز یا مداخله‌گرانه، با واکنش روبه‌رو می‌شود.

این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که آمریکا تلاش می‌کند حضور دریایی خود در هرمز را با عنوان حفاظت از کشتیرانی و اسکورت کشتی‌ها توجیه کند بنابراین، با انتشار تصاویر رصد شناورها، ایران در واقع در حال تعریف یک قاعده عملیاتی جدید برای هرمز است: آزادی عمل نیروهای خارجی دیگر نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن واکنش ایران مفروض گرفته شود.

در چنین شرایطی، تنگه هرمز به میدان اصلی آزمون راهبرد جدید تبدیل می‌شود. آمریکا با حمله به نفتکش‌های ایرانی تلاش کرده نشان دهد همچنان قادر است هزینه اقتصادی سنگینی به تهران تحمیل کند اما ایران با انتقال بخشی از هزینه به حوزه نظامی، می‌کوشد این فشار را از حالت یک طرفه خارج کند. نتیجه چنین رویکردی می‌تواند افزایش ریسک برای ناوهای آمریکایی، دشوارتر شدن عملیات اسکورت و افزایش هزینه بیمه و حمل و نقل دریایی باشد.

در نهایت، اهمیت تحول اخیر در این است که ایران تلاش کرده بازدارندگی را از یک مفهوم دفاعی به ابزاری برای تحمیل هزینه تبدیل کند. حمله به شناورهای نظامی آمریکا، رصد مستمر تحرکات در هرمز و هشدار درباره پاسخ‌های شدیدتر، سه ضلع این رویکرد را تشکیل می‌دهند. اگر این روند ادامه پیدا کند، آمریکا برای حفظ فشار دریایی خود ناچار خواهد بود هزینه بیشتری بپردازد و ریسک بیشتری بپذیرد؛ دقیقاً همان تغییری که تهران از آن به‌عنوان تغییر دکترین و راهبرد سخن گفته است.

به این ترتیب، «معادله جدید» صرفاً با یک موشک یا یک عملیات شکل نگرفته است. قاسم بصیر می‌تواند یکی از ابزارهای این معادله باشد اما اصل ماجرا، تغییر در محاسبات ایران است: انتقال هزینه از خود به متجاوز، تبدیل هرمز از نقطه فشار به اهرم بازدارندگی و وادار کردن آمریکا به محاسبه هزینه‌های مستقیم حضور نظامی خود. اگر این الگو تثبیت شود، برتری دریایی آمریکا دیگر به‌تنهایی تعیین‌کننده معادلات خلیج فارس نخواهد بود و تهران می‌تواند بخشی از ابتکار عمل راهبردی را به میدان باگذراند.

می‌کند. ممکن است در مقطعی، اولویت اصلی دفاع و جلوگیری از پیشروی دشمن باشد و در مقطع دیگری، برای تغییر موازنه و تحمیل هزینه به طرف مقابل، رویکرد تهاجمی در پیش گرفته شود. در شرایطی که دشمن می‌کوشد با عملیات‌های مقطعی و تداوم محاصره دریایی ادعای باز بودن تنگه هرمز را مطرح کند و از طرفی با جلوگیری از تشدید تنش به مدیریت بازار انرژی بپردازد و از سوی دیگر با وقاحت طرح مسلح‌سازی گروه‌های تروریستی را در پیش گرفته است، «پاسخ متناسب» صرفاً بازی کردن در پازل او خواهد بود اما به‌زودی با فداکاری‌های ملت و نیروهای شجاع مسلح و امنیتی کشورمان، پوچ بودن محاسبات دشمنان این مرزوبوم آشکار خواهد شد.

که آمریکا تلاش می‌کند با اعمال تحریم، انتقال کالا و خدمات به ایران را محدود کند، ظرفیت‌هایی در کشورهای مختلف وجود دارد که می‌توان از آنها برای کاهش آثار این فشارها استفاده کرد. بنابراین، ایران می‌تواند با بهره‌گیری هوشمندانه از ظرفیت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای خود، دوران فشار اقتصادی را با هزینه کمتری پشت‌سر بگذارد. اخیراً نیز شاهد بوده‌ایم که برخی کشورهای همسایه ایران در شرق، غرب و شمال، آمادگی خود را برای همکاری و تأمین بخشی از نیازهای ایران در شرایط فشار اعلام کرده‌اند. البته این رویکرد نباید صرفاً یک سیاست مقطعی و واکنشی باشد؛ یعنی این‌گونه نباید که ایران فقط زمانی که تحت فشار قرار می‌گیرد به سازمان‌های منطقه‌ای یا همسایگان خود توجه کند. تعامل با همسایگان و حضور فعال در ترتیبات منطقه‌ای باید به یک سیاست دائمی و پایدار در جمهوری اسلامی ایران تبدیل شود. از سوی دیگر، کشورهای اروپایی نیز در سال‌های گذشته عملکرد خود را نشان داده‌اند. رفتارهای اروپا در برابر آمریکا نشان می‌دهد از هیچ نظری - سیاسی و اقتصادی، حقوق بشر و احترام به حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود- استقلال‌ای از خود ندارند و تابع واشنگتن و تل‌آویو عمل می‌کنند و این تجربه عملی به‌مانشان می‌دهد نمی‌توان در هیچ حوزه‌ای به استقلال و بازیگری عقلانی آنها اتکا کرد. در شرایط موجود نظام بین‌الملل، هر جرانی که در رأس مسئولیت راهبردی اقتصاد ایران قرار می‌گیرد، باید نهایت دور اندیشی و راهبردی را اتخاذ کند و از مصلحت‌اندیشی‌های مقطعی گذر کند. این نگاه راهبردی باید بر این باور استوار باشد که جهان در حال حرکت به سمت نظامی چندقطبی است و طبیعتاً هم‌زمانی چند سده‌ای غرب توسط رقبای قدرتمند به‌جد به چالش کشیده شده است و ایران باید ظرفیت‌های موجود در این نظام، به‌ویژه ظرفیت‌های اقتصادی مبتنی بر همکاری‌های منطقه‌ای و همسایگی را به شدت جدی بگیرد و آنها را در برنامه‌های بلندمدت خود به‌طور واقعی لحاظ کند.